

Future Research of Crime Prevention Governance in Smart Cities in the Convergence or Violation of the Common Principle of Liberalism and Islamic Teachings

Seyed Mohammad Reza Mousavi Fard ¹, Alireza Taghipour ², Fatemeh Nouri Romanan ³, Kimia Farazmehr ⁴

1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran, (Responsible Author), Email: mousavifard136394@gmail.com
2. Associate Professor of Department of Law, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran, Email: a.taghipour@basu.ac.ir
3. Specialized Doctorate in Criminal Law and Criminology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, Email: fatemeh132668@gmail.com
4. Master of Criminal Law and Criminology, Naraq Branch, Islamic Azad University, Naraq, Iran, Email: k1972.faraz@gmail.com

Abstract

Received:
2023/05/05
Revised:
2024/02/03
Accepted:
2024/12/18
Published online:
2025/12/22

This study analyzes and investigates the issue of preventing government espionage in smart cities in order to maintain public security and citizens' rights. It examines the existing challenges and possibilities for countering potential government espionage and violations of human rights and citizens' privacy, and provides scientific and effective measures to create a balance between security objectives and human rights. This article addresses the main question of how advanced technologies can be utilized to prevent widespread government espionage while at the same time preventing violations of human rights and citizens' privacy. The research involves an analysis of various methods and strategies that emphasize the development of media and social literacy, strengthening civil oversight over government actions, and establishing international regulations to control state activities. As Islamic sources, such as verse 12 of Surah Al-Hujurat in the Holy Qur'an which states: "O you who have believed, avoid much [negative] assumption. Indeed, some assumption is sin. And do not spy or backbite each other...", greatly emphasize respect for privacy and the rights of others, this study provides a deeper interpretation of the protection of privacy in Islam and liberal thought. This research stresses that maintaining a balance between public security and human rights in smart cities is essential, and emphasizes the importance of implementing effective policies based on data and scientific evidence. This study promotes new approaches and strategies for managing security in urban environments and encourages policy decisions that support human rights and the privacy of citizens

Keywords: Future Research, Governance, Smart City, Islamic Law, Liberalism.

How To Cite: Mousavi Fard, SM; Taghipour, A; Nouri Romanan, F & Farazmehr, K (2025). Future Research of Crime Prevention Governance in Smart Cities in the Convergence or Violation of the Common Principle of Liberalism and Islamic Teachings, *Comparative studies on Islamic and Western Law*, 12(4), 233-258. <http://www.doi.org/10.22091/csiw.2024.9407.2421>





آینده‌پژوهی حکمرانی پیشگیری از جرم در شهرهای هوشمند در همگرایی یا تناقض اصل مشترک لیبرالیسم و آموزه‌های اسلامی

سید محمدرضا موسوی فرد^۱، علیرضا تقی پور^۲، فاطمه نوری رومنان^۳، کیمیا فرازمهر^۴

۱. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه: mousavifard136394@gmail.com
۲. دانشیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات، دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران، رایانامه: a.taghipour@basu.ac.ir
۳. دکترای تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، رایانامه: fatemeh132668@gmail.com
۴. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم و شناسی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران، رایانامه: k1972.faraz@gmail.com

چکیده

این مطالعه به تحلیل و بررسی موضوع پیشگیری از جاسوسی دولتی در شهرهای هوشمند به منظور حفظ امنیت عمومی و حقوق شهروندان می‌پردازد و تشخیص چالش‌ها و امکانات موجود برای مقابله با احتمالات جاسوسی دولتی و نقض حقوق انسانی و حریم خصوصی شهروندان را مورد بررسی قرار داده و تدابیر علمی و کارآمدی برای ایجاد توازن میان اهداف امنیتی و حقوق انسانی ارائه می‌دهد. این مقاله به این سؤال اصلی که چگونه می‌توان از تکنولوژی‌های پیشرفته به منظور پیشگیری از جاسوسی گسترده دولتی بهره برد و در عین حال، از نقض حقوق انسانی و حریم خصوصی شهروندان جلوگیری کرد، پاسخ می‌دهد. این تحقیق شامل تجزیه و تحلیل روش‌ها و راهکارهای متنوعی می‌شود که بر توسعه سواد رسانه‌ای و اجتماعی، تقویت نظارت مدنی بر عملکرد دولت‌ها و ایجاد مقررات بین‌المللی برای کنترل فعالیت‌های دولتی تأکید دارد. همان‌طور که منابع اسلامی همچون آیه ۱۲ سوره حجرات از قرآن کریم که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا...»، تأکید بسیاری بر احترام به حریم خصوصی و حقوق دیگران دارد، در این پژوهش به ارائه تفسیر عمیق‌تری از حفظ حریم خصوصی در اسلام و اندیشه لیبرالیسم می‌پردازیم. این تحقیق تأکید دارد که حفظ توازن میان امنیت عمومی و حقوق انسانی در شهرهای هوشمند ضروری است و اهمیت اجرای سیاست‌های مؤثر بر اساس داده‌ها و شواهد علمی را تأکید می‌کند. این مطالعه به ترویج رویکردها و راهبردهای جدید برای مدیریت امنیت در محیط‌های شهری می‌پردازد و تصمیم‌گیری‌های سیاستی را در جهت حمایت از حقوق انسانی و حریم خصوصی شهروندان ترویج می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، حکمرانی، شهر هوشمند، حقوق اسلامی، لیبرالیسم.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۲/۱۵

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۲/۱۱/۱۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۹/۲۸

تاریخ انتشار

برخط:

۱۴۰۴/۱۰/۰۱

استاد: موسوی فرد، سید محمدرضا، تقی پور، علیرضا؛ نوری رومنان، فاطمه و فرازمهر، کیمیا (۱۴۰۴). آینده‌پژوهی حکمرانی پیشگیری از جرم در شهرهای هوشمند در همگرایی یا تناقض اصل مشترک لیبرالیسم و آموزه‌های اسلامی، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، (۴)۱۲، ۲۳۳-۲۵۸. <http://www.doi.org/10.22091/csiw.2024.9407.2421>



نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

وقتی صحبت از شهرهای تماماً هوشمند در آینده به میان می‌آید ذهن بدین سمت می‌رود که آیا آینده شهرها چگونه خواهند بود؟ شهرها در آینده چگونه به نظر خواهند آمد؟ با پیدایش ماشین‌های یادگیرنده، رشد فزاینده هوش مصنوعی و رشد بهره‌گیری از فناوری و توسعه فرهنگ آن در جوامع، پاسخ این سؤالات فراتر از تصورات اکثر مردم خواهد بود و فرایند برنامه‌ریزی برای شهرها هم همین‌طور، اما چیزی که با اطمینان می‌توان گفت آن است که شهرها هوشمندتر و هوشیارتر خواهند بود. شهرهای هوشمند دیگر استثنا نیستند و به امری طبیعی و عادی بدل خواهند شد. هم‌زمان با این تغییر دولت‌ها ناگزیرند که خود را با فناوری و شهرهای جدید سازگار نمایند. دولت‌های محلی و شهرداری‌ها ناچارند متدولوژی‌های برنامه‌ریزی خود را متناسب با شهرهای جدید به‌روز نمایند. این امر شامل ورود کدها و حسگرها و تجهیزات مختلف به ساختمان‌ها، جاده‌ها و شهرها و توسعه آنهاست. همچنین الزامات قانونی و حقوقی و زیرساخت‌های توسعه‌یافته بیش از همیشه مورد توجه قرار خواهند گرفت. استفاده از هوش مصنوعی در استودیوهای طراحی و دپارتمان‌های برنامه‌ریزی شهری و دولتی به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته و تلفن‌های هوشمند به‌عنوان بستر آن در نقش واسطه بین نیروی انسانی و فناوری عمل خواهند نمود.

در این جستار پژوهشی با رویکردی توصیفی تحلیلی درعین حال آینده‌نگر با روش اسنادی و کتابخانه‌ای در پی یافتن پاسخی مناسب برای این سؤال هستیم که با احتمال جاسوسی گسترده دولت‌ها در آینده شهرهای هوشمند به بهانه پیشگیری از جرائم علیه امنیت عمومی در تقابل با اصول کنونی مورد قبول بشری و دینی چگونه این مسئله قابل بحث و بررسی است؟ که به نظر می‌رسد با اصول اندیشه لیبرالیسم و اسلامی در تعارض است.

در میان تفاوت‌های قابل توجهی که بین لیبرالیسم و اسلام وجود دارد، این دو نظام ایدئولوژیک نیز اصول مشترکی دارند. این اصول مشترک نشان از اهمیت و تأکید مشابهی است که به حقوق انسانی و اجتماعی در جوامع می‌دهند. یکی از اصول مشترک بین لیبرالیسم و اسلام اعتقاد به حقوق بشر است. هر دو نظام به اهمیت حقوق بشر اعتقاد دارند که شامل حق زندگی، حقوق مساوی برای همه افراد، حقوق فردی (مانند

حق آزادی بیان) و عدالت در دسترسی به منابع اقتصادی و اجتماعی می‌شوند. عدالت اجتماعی یک اصل اساسی دیگر است که لیبرالیسم و اسلام به آن تأکید دارند. این به معنای توزیع منصفانه منابع و فرصت‌ها در جامعه است تا همه افراد بتوانند بهره‌مند شوند. عدالت اجتماعی شامل تساوی در دسترسی به خدمات عمومی، توزیع عادلانه ثروت و تأمین نیازهای اساسی مردم می‌شود. حقوق زنان نیز یکی از اصول مشترک بین لیبرالیسم و اسلام است و با تفاوت‌هایی در جزئیات، هر دو نظام تأکید بر تساوی حقوق زنان و مردان و حمایت از حقوق زنان به‌عنوان افراد حقیقی و اجتماعی دارند. این مفهوم شامل حق تعلیم، شغل و مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی زنان می‌شود. حقوق ملت‌ها و احترام به حاکمیت ملی نیز اصلی است که هر دو نظام به آن تأکید دارند. این اصل به معنای احترام به حقوق ملت‌ها در تصمیم‌گیری در مورد امور داخلی و خارجی و عدم تداخل در امور داخلی دیگر کشورها است.

۱. مبانی نظری

نئورئالیسم یا واقع‌گرایی ساختاری نظریه‌ای در روابط بین‌الملل است که بر نقش سیاست قدرت در روابط بین‌الملل تأکید می‌کند و رقابت و تعارض را ویژگی‌های پایدار می‌داند (Jervis, 1999: 42). وضعیت آنارشیک نظام بین‌الملل به این معناست که دولت‌ها نمی‌توانند از مقاصد دیگر دولت‌ها و امنیت آن‌ها مطمئن باشند، بنابراین آن‌ها را به درگیر شدن در سیاست قدرت وامی‌دارد. در تقابل جنگ قدیمی سیاست و حقوق به نحوی از انحاء مختلف، در یک حالت انفعالی قرار دارد و به رغم وجود قوانین متعدد و کنوانسیون‌های بین‌المللی مختلف در این خصوص با یک وضعیت آنارشیک حقوقی در سطح نظام بین‌الملل قرار داریم (موسوی‌فرد، ۱۴۰۰: ۱۸۱).

رنالیسم ساختاری بر این باور است که ماهیت ساختار بین‌المللی با اصل نظم دهنده آن (آنارشی)، واحدهای سیستم (دولت‌ها) و با توزیع قابلیت‌ها (اندازه‌گیری شده با تعداد قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل) تعریف می‌شود. آخرین متغیر مستقل با هر تغییر معنی‌دار در طول زمان در نظر گرفته می‌شود. اصل نظم‌دهی آنارشیک، ساختار بین‌المللی غیرمتمرکز است. به این معنی که هیچ مرجع رسمی وجود ندارد. هر دولت مستقل در این سیستم با سایر دولت‌ها به‌طور رسمی برابر است. این دولت‌ها بر اساس منطق

خودگرایی عمل می‌کنند؛ یعنی به دنبال منافع خود هستند و منافع خود را تابع منافع دولت‌های دیگر نمی‌کنند (Mearsheimer, 2014: 3). همان‌گونه که در ادامه مباحث در خصوص توجیحات دولت‌ها در جاسوسی و نقض حریم خصوصی افراد خواهیم دید، اصل بر حفظ بقا و موجودیت است. در این نظریه، نیروی محرکه بقا، عامل اصلی تأثیرگذار بر رفتار آن‌ها است و به نوبه خود تضمین می‌کند که دولت‌ها قابلیت‌های نظامی تهاجمی را برای مداخله‌گری خارجی و به‌عنوان وسیله‌ای برای افزایش قدرت نسبی خود توسعه می‌دهند. از آنجایی که دولت‌ها هرگز نمی‌توانند از نیت آینده دولت‌های دیگر مطمئن باشند، عدم اعتمادی بین دولت‌ها وجود دارد که آن‌ها را ملزم می‌کند در مقابل از دست دادن نسبی قدرت که می‌تواند دولت‌های دیگر را قادر به تهدید بقای آن‌ها کند، مراقب باشند (Rosato, 2021: 1).

نئورئالیست‌ها استدلال می‌کنند که فرآیندهای تقلید و رقابت باعث می‌شود، دولت‌ها روش‌های مختلفی جهت بقا اتخاذ نمایند. تقلید باعث می‌شود، رفتارهای دولت‌های موفق (مثلاً کشورهای پیروز در جنگ) را دنبال کنند، درحالی‌که رقابت باعث می‌شود، دولت‌ها با هوشیاری، امنیت و بقای خود را از طریق بهترین ابزار ممکن تضمین نمایند (Posen, 1993: 80).^۱ این نظریه برای کنترل بقای بازیگران اصلی، یعنی دولت‌ها حتی به سازمان‌های بین‌المللی که محصول اندیشه لیبرالیسم هستند نیز نوعاً بی‌اعتنا هستند (Mearsheimer, 1994: 5).

۲. مفاهیم راهبردی

۲-۱. آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی، مطالعه سیستماتیک، میان‌رشته‌ای و کل‌نگر پیشرفت اجتماعی و فناوری و سایر روندهای محیطی است و غالباً به منظور بررسی چگونگی زندگی و کار مردم در آینده. تکنیک‌های پیش‌بینی مانند پیش‌بینی در حوزه اجتماعی را می‌توان به کار برد، اما محققان آینده‌پژوهی معاصر بر اهمیت کاوش سیستماتیک جایگزین‌ها تأکید می‌کنند.^۲ به‌طور کلی می‌توان آن را شاخه‌ای از علوم اجتماعی و گسترشی

۱. به نظر نگارنده مضمون هوشیاری امنیت جهت بقا در نظریه نئولیبرالیسم نوعی مجوز زیرکانه برای جاسوسی دولت‌ها از شهروندان در نقض حریم خصوصی است که تجویز شده است.

۲. جهت مطالع بیشتر در این خصوص توصیه می‌شود به منابع ذیل رجوع گردد:

به حوزه تاریخ دانست. آینده‌پژوهی (که توسط بسیاری از دست‌اندرکاران این رشته به صورت محاوره‌ای «آینده» نامیده می‌شود) به دنبال این است که بفهمد چه چیزی احتمالاً ادامه دارد و چه چیزی می‌تواند به طور قابل قبولی تغییر کند. بنابراین، بخشی از این رشته به دنبال درک سیستماتیک و مبتنی بر الگو از گذشته و حال و کشف امکان رویدادها و روندهای آینده است (Mearsheimer, 1994: 5).

برخلاف علوم فیزیکی که در آن یک سیستم محدودتر و مشخص‌تر مورد مطالعه قرار می‌گیرد، آینده‌پژوهی به یک سیستم جهانی بسیار بزرگ‌تر و پیچیده‌تر مربوط می‌شود. بحث‌هایی وجود دارد در مورد اینکه آیا این رشته، هنر است یا علم و گاهی به‌عنوان شبه‌علم توصیف می‌شود (Williams, 2013: 123). در خصوص تلاش‌های بین‌المللی در توسعه آن باید گفت که انجمن آینده‌پژوهان سال ۲۰۰۲ تشکیل شد و یک مدل شایستگی آینده‌نگاری را در سال ۲۰۱۷ توسعه داد (Daheim and others, 2017: 141).

یونسکو به منظور تشویق بحث‌های فراگیر و فرارشته‌ای در مورد آینده‌پژوهی، دوم دسامبر را به‌عنوان روز جهانی آینده اعلام کرد.^۱ آینده‌پژوهی یک حوزه بین‌رشته‌ای است که روندها را با روش‌های غیرمستقیم و حرفه‌ای تجمیع و تجزیه و تحلیل می‌کند تا آینده‌های احتمالی را بسازد. این شامل تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و علل تغییر و ثبات در تلاش برای توسعه آینده‌نگری است. در سرتاسر جهان از این رشته با نام‌های آینده‌پژوهی، آینده‌نگاری استراتژیک و آینده‌شناسی یاد شده است. آینده‌پژوهی و آینده‌نگری استراتژیک، رایج‌ترین اصطلاحات در حوزه دانشگاهی در دنیای معاصرند (Sardar, 2010: 177-184). گفتگوی آکادمیک بین‌المللی در مورد آینده‌پژوهی در قالب فدراسیون جهانی آینده‌پژوهی (WFSF) که در سال ۱۹۶۷ تأسیس شد، نهادینه شد. اولین برنامه دکترا در مورد آینده‌پژوهی، در سال ۱۹۶۹ در دانشگاه ماساچوست توسط کریستوفر دد تأسیس شد. بیلی روجاس. دده همچنین در سال ۱۹۷۵ یک برنامه کارشناسی ارشد را در دانشگاه هیوستون - کلیرلیک تأسیس کرد. در سال ۱۹۷۶، برنامه کارشناسی ارشد در سیاست عمومی در

James Joseph O'Toole (2017). "Futurology social science". Encyclopedia Britannica. Available in: <https://www.britannica.com/topic/futurology>

Futurology. Definition of Futurology by Lexico". Lexico Dictionaries. Available in: <https://www.lexico.com/en/definition/futurology>

1. See: World Futures Day. UNESCO <https://www.unesco.org/en/days/world-futures>.

آینده‌های جایگزین در دانشگاه هاوایی در مانوآ تأسیس شد (Hester, 2018: 115-116). در دهه ۱۹۶۰، روش‌های انسان‌محور مطالعات آینده در اروپا توسط برتراند دو ژوونل و یوهان گالتونگ توسعه یافت. ایده پوزیتیویستی آینده واحد توسط دانشمندانی مانند توماس کوهن، کارل پوپر و یورگن هابرماس به چالش کشیده شد (Gidley, 2017: 52).

آینده‌پژوهی به‌عنوان میدان تحقیق تجربی توسعه داده شده است. با الهام از انتشارات هرمان کان، مطالعات آینده از تکنیک‌هایی مانند برنامه‌ریزی سناریو، تئوری بازی‌ها و شبیه‌سازی‌های کامپیوتری استفاده کردند. مورخان و دانشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناسانی که درگیر آینده‌پژوهی انتقادی بودند، همت گماشته و پایه‌های مطالعات صلح را به‌عنوان یک رشته دانشگاهی پایه‌ریزی کردند (Brassett and other, 2021: 129). درباره مشخصه‌های آن باید گفت که در آینده‌پژوهی «سیگنال‌های ضعیف» ممکن است به‌عنوان شاخص‌های پیشرفته، پر سروصدا و موقعیت اجتماعی تغییر در روندها و سیستم‌هایی که مواد اطلاعاتی خام را برای فعال کردن اقدامات پیش‌بینی تشکیل می‌دهند، درک شود. در مورد تعریف سیگنال ضعیف توسط محققان و مشاوران مختلف سردرگمی وجود دارد. گاهی اوقات از آن به‌عنوان اطلاعات آینده‌گرایا یاد می‌شود، گاهی اوقات بیشتر شبیه به مسائل در حال ظهور است. این سردرگمی تا حدی با مفهوم «نشانه آینده» با جدا کردن سیگنال، موضوع و تفسیر نشانه آینده روشن شده است (Hiltunen, 2008: 247-260).

۲-۲. شهرهای هوشمند

شهر هوشمند یک منطقه شهری از لحاظ فناوری مدرن است که از انواع مختلفی از روش‌ها و حسگرهای الکترونیکی برای جمع‌آوری داده‌های خاص استفاده می‌کند. اطلاعات به‌دست‌آمده از آن داده‌ها برای مدیریت کارآمد دارایی‌ها، منابع و خدمات استفاده می‌شود. در عوض، از این داده‌ها برای بهبود عملیات در سراسر شهر استفاده می‌شود (Goldsmith, 2021: online).

این شامل داده‌های جمع‌آوری شده از شهروندان، دستگاه‌ها، ساختمان‌ها و دارایی‌هایی است که برای نظارت و مدیریت ترافیک و سیستم‌های حمل‌ونقل، نیروگاه‌ها، تأسیسات، شبکه‌های آبرسانی، زباله،

تحقیقات جنایی پردازش و تجزیه و تحلیل می‌شود (1: Fourtané, 2018). همچنین شامل سیستم‌های اطلاعاتی، مدارس، کتابخانه‌ها، بیمارستان‌ها و سایر خدمات اجتماعی است.^۱ شهرهای هوشمند هم از نظر روش‌هایی که دولت‌هایشان از فناوری استفاده می‌کنند و هم در نحوه نظارت، تجزیه و تحلیل، برنامه‌ریزی و اداره شهر به‌عنوان هوشمند تعریف می‌شوند. در شهرهای هوشمند اشتراک‌گذاری داده‌ها به خود شهر محدود نمی‌شود، بلکه شامل مشاغل، شهروندان و سایر اشخاص ثالث نیز می‌شود که می‌توانند از کاربردهای مختلف آن داده‌ها بهره‌مند شوند. به اشتراک‌گذاری داده‌ها از سیستم‌ها و بخش‌های مختلف فرصت‌هایی برای افزایش درک و مزایای اقتصادی ایجاد می‌کند (275-291: Paiho and others, 2022). مفهوم شهر هوشمند، فناوری اطلاعات و ارتباطات «ICT» و دستگاه‌های فیزیکی مختلف متصل به شبکه اینترنت اشیا «IoT» را برای بهینه‌سازی کارایی عملیات و خدمات شهر و اتصال به شهروندان یکپارچه می‌کند.^۲ فناوری شهر هوشمند به مقامات شهری اجازه می‌دهد تا به‌طور مستقیم با زیرساخت‌های اجتماعی و شهری تعامل داشته باشند و بر آنچه در شهر اتفاق می‌افتد و چگونگی تحول شهر نظارت کنند. فناوری اطلاعات و ارتباطات برای افزایش کیفیت، عملکرد و تعامل خدمات شهری، کاهش هزینه‌ها و مصرف منابع و افزایش تماس بین شهروندان و دولت استفاده می‌شود. برنامه‌های کاربردی شهر هوشمند برای مدیریت جریان‌های شهری و امکان پاسخ‌های بلادرنگ ایجاد شده‌اند (77: Komninos, 2013). بنابراین، یک شهر هوشمند ممکن است آمادگی بیشتری برای پاسخگویی به چالش‌ها داشته باشد تا شهری که دارای یک رابطه متعارف «معامله‌ای» با شهروندان است (4: Hunt and others, 2014). با توجه به گستردگی فناوری‌هایی که تحت عنوان شهر هوشمند پیاده‌سازی شده‌اند، ارائه یک تعریف دقیق از شهر هوشمند دشوار است (140-152: Deakin and others, 2011). دیکین شهر هوشمند را شهری تعریف می‌کند که از

۱. به اصل منابع ارجاعی رجوع کنید:

McLaren, Duncan; Agyeman, Julian (2015). *Sharing Cities: A Case for Truly Smart and Sustainable Cities*. MIT Press. ISBN 9780262029728.

Musa, Sam (2018). "Smart Cities-A Road Map for Development". *IEEE Potentials*. 37.

2. See: Peris-Ortiz, Marta; Bennett, Dag R; Yábar, Diana Pérez-Bustamante (2016). *Sustainable Smart Cities: Creating Spaces for Technological, Social and Business Development*. Springer. ISBN 9783319408958.

فناوری اطلاعات و ارتباطات برای برآورده کردن خواسته‌های بازار (شهروندان شهر) استفاده می‌کند و بیان می‌کند که مشارکت جامعه در این فرآیند برای یک شهر هوشمند ضروری است (Deakin, 2013: 15). در برخی دیگر از نظریه‌ها چنین آمده است: شهری را می‌توان به‌عنوان هوشمند تعریف کرد که سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و اجتماعی و حمل‌ونقل سنتی و زیرساخت‌های مدرن ICT باعث رشد اقتصادی پایدار و کیفیت زندگی بالا، با مدیریت خردمندانه منابع طبیعی شود و از طریق حاکمیت مشارکتی است.^۱ از نظر نگارنده:



بر اساس مطالعات انجام شده، نمی‌توان گفت که اصول شهرهای هوشمند با آموزه‌های اسلام در تعارض هستند. در واقع، برخی از مفاهیم شهر هوشمند مانند توسعه پایدار، ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و حفظ محیط‌زیست، با آموزه‌های اسلامی سازگاری دارند (روستایی و دیگران، ۲۰۱۸: ۱۹۷). با این حال، برخی از مفاهیم شهر هوشمند ممکن است با برخی از آموزه‌های اسلامی در تعارض باشند. از طرفی در ارتباط با اصول شهرهای هوشمند و تعارض یا عدم تعارض آن با اصول لیبرالیسم باید گفت که در مطالعات مرتبط با شهر هوشمند، اصول لیبرالیسم به‌عنوان یکی از اصول اساسی در نظر گرفته شده‌اند. این اصول شامل آزادی فردی، حقوق مالکیت، حقوق شهروندی و حقوق بشری است. در شهر هوشمند، این اصول به شکلی تعبیه شده‌اند که به حفظ حقوق شهروندان و بهبود کیفیت زندگی آن‌ها کمک می‌کنند. به‌عنوان مثال، در شهر

۱. جهت مطالعه رجوع شود به:

Jiang, Huaxiong; Geertman, Stan; Witte, Patrick (2021). "Smartening urban governance: An evidence-based perspective". *Regional Science Policy & Practice*. 13(3): 744-758. doi:10.1111/rsp3.12304. ISSN 1757-7802. S2CID 225636582.

Caragliu, Andrea; Del Bo, Chiara; Nijkamp, Peter (2011). "Smart Cities in Europe". *Journal of Urban Technology*. 18(2): 65-82. doi:10.1080/10630732.2011.601117. ISSN 1063-0732. S2CID 18753272.

هوشمند، از فناوری‌های نوین برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان استفاده می‌شود، مانند سامانه‌های حمل‌ونقل هوشمند، سامانه‌های اطلاعاتی شهری و سامانه‌های ارتباطی شهری (محمودزاده و دیگران، ۱۳۹۸: ۴). بنابراین اصول لیبرالیسم و اصول شهرهای هوشمند با هم سازگار بوده و در تعارض نیستند.

۳-۲. بهانه پیشگیری از جرم علیه امنیت عمومی

آنچه در بخش قبلی در قالب نموداری به صورت تلویحی به آن اشاره شد، بهانه‌گیری سیاسی دولت‌ها در تجسس بی‌حدومرز از شهروندان (خودی و غیرخودی) به بهانه پیشگیری از جرائم علیه امنیت ملی و بین‌المللی است که این امر می‌تواند همانند یک شمشیر دو لبه عمل کند. درنهایت قربانیان اصلی آن مردم عادی در مقابل حاکمیت دولت‌های تا دندان مسلح از هر لحاظ هستند. پس نتیجه عقلی و منطقی که می‌توان گرفت این است که باید به‌وسیله قانون‌گذاری صحیح در سیاست جنایی تقنینی داخلی و بین‌المللی کشورها این قدرت بی‌حدوحصر را تا حدودی مشروع و قابل قبول کرد.^۱

در برخی از نظریه‌ها بدون توجه به این قدرت نامحدود دولت‌ها به‌نوعی ناخواسته در راستای تقویت آن گام برداشته شده است. گسترش و نفوذ فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و در پی آن پدیدار شدن فضای سایبر، تغییرات اساسی را در تمامی ابعاد زندگی آدمی از جمله امنیت ملی جوامع ایجاد کرده است. فضای مجازی با برخورداری از ویژگی‌های منحصربه‌فرد، با توسل به فناوری تبادل اطلاعات امنیت ملی را با چالش‌های جدید و جدی مواجه شده است که صیانت از آن به شیوه سنتی دشوار و ناکافی است، هرچند مقابله کیفی در خصوص این جرائم اجتناب‌ناپذیر است. با توجه به واکنشی بودن این اقدام و اتخاذ آن پس از ارتکاب، نمی‌توان آثار سوء این جرائم را خنثی کرد. از این رو لازم است اقداماتی را مورد تحقیق قرار داد که به‌جای واکنش به این جرائم، از وقوع آن‌ها پیشگیری کنند. با توجه به ایرادات پیشگیری وضعی که به کلی مانع از ارتکاب جرائم نمی‌شود، سیاست جنایی پیشگیرانه، می‌تواند راهبرد مؤثرتری برای مقابله با این تهدیدات نوین به شمار رود. جهت رویارویی با جرائم سایبری علیه امنیت، بدون آنکه تأثیر سایر اقدامات

۱. نگارنده در این حوزه جهت جلوگیری از نقض حریم خصوصی به بهانه‌های واهی امنیتی و پیشگیری از جرائم علیه امنیت عمومی بر این عقیده استوار است.

پیشگیرانه به کلی نفی شود، برنامه‌های پیشگیرانه اجتماعی را پیشنهاد و آثار مثبت آن‌ها را معرفی می‌کند. در این میان می‌توان به برنامه‌های خانواده‌مدار، تدابیر آموزشی سایبری، بالا بردن سواد رسانه‌ای، تنظیم کدهای رفتاری، اطلاع‌رسانی و اطلاع‌گیری، توجه به حکمرانی خوب و شاخص‌های آن، مشارکت و اجماع‌گری، ارتقای پاسخگویی و شفافیت، فرهنگ‌سازی و تولید رسانه‌ای اشاره کرد (بهره‌مند و دیگران، ۱۳۹۷: ۴۶). در نگاه صرف کیفرمحور چنین آمده است که جرائم علیه امنیت کشور جرائمی هستند که مستقیماً قصد ضربه زدن به امنیت جامعه و حکومت را داشته و در پی نابودی پایه‌های حاکمیت هستند. گسترش وقوع چنین جرائمی در دهه‌های اخیر، سیاست کیفری امنیت‌مدار را به دنبال داشته و به تبع آن جرم‌شناسی امنیتی ظهور کرده که مجرم را موجودی خطرناک قلمداد نموده و هیچ حقوقی برای وی قائل نیست (اکبری و دیگران، ۱۳۹۹: ۵۳). این دیدگاه موافق اقدامات حداکثری دولت‌هاست.

۳. غلبه مسائل سیاسی و امنیتی بر دیگر امور

امروزه آنچه به نظر می‌رسد در نظام بین‌الملل برای بازیگران اصلی و حتی بازیگران غیراصلی، اما تأثیرگذار، حفظ موجودیت خود یا حفظ منافع راهبردی خود در نظام داخلی و بین‌المللی است، در نتیجه برای دست‌یازی به این امر، کشورها عملاً دست به یک سری اقدامات می‌زنند که کنترل شهروندان و نقض حریم خصوصی است که یکی از اولویت‌های توجیه‌گر آن مسائل امنیتی است. بدیهی است که صرف نگاه امنیت‌محور، ساده‌لوحانه است. در واقع باید کیفیت این ادعا را اصلاح کرد که در کنار اولویت مسائل امنیتی که در نتیجه این فعل و انفعالات به دست می‌آید، منافع اقتصادی، اجتماعی نیز برای بازیگران به دنبال دارد. با نگاهی جامع اگر امنیت را به عنوان یک پروسه همه‌جانبه بنگریم، در نهایت این اهداف نیز به تقویت امنیت همه‌جانبه آن‌ها منجر خواهد شد. با این تقریر می‌توان به علت‌شناسی اولویت آن بر دیگر مسائل پی برد. بنابراین باید به اهمیت آینده‌پژوهی و اولویت پیشگیری در مسائل امنیتی، بر ضرورت شناسایی مسائل و نقاط آسیب‌پذیر امنیتی و ارائه راهکارهایی برای ممانعت از تبدیل شدن آن‌ها به بحران تأکید کرد و حاکمیت‌ها باید توجه ویژه‌ای به این موارد داشته باشند. هرچند این موضوع نباید بهانه‌ای برای اعمال دیکتاتوری‌های مدرن در کشورها باشد، زیرا امنیت اجتماعی از امنیت ملی و بین‌المللی باید احصا شود، یعنی دولت‌ها نمی‌توانند با این توجهات

همچون دشمن با شهروندان خود برخورد کنند. به منظور پیشگیری از غلبه مسائل سیاسی و امنیتی بر دیگر امور، باید تدابیری اتخاذ شود تا ساختارهای دموکراتیک تقویت شود. این اقدام می‌تواند به ایجاد تعامل مشروع بین گروه‌های مختلف جامعه و جلوگیری از غلبه یک گروه بر دیگری کمک کند. همچنین تأکید بر اجرای قوانین حقوق بشر و تضمین حقوق مدنی و سیاسی همه افراد می‌تواند از ظهور مسائل امنیتی ناشی از نادرستی در تصمیم‌گیری‌ها جلوگیری کند.

ترویج حل و ترتیب صلح‌آمیز اختلافات نیز می‌تواند از استفاده از نیرو و خشونت در حل اختلافات جلوگیری کند. از طرفی تشویق به شفافیت در موارد دولتی و سیاسی و اطلاع‌رسانی دقیق به عموم از تداوم فساد و تصمیم‌گیری‌های مخفیانه جلوگیری می‌کند. همچنین باید تعهد به قانون و احترام به حکومت قانونی را تقویت کرد. این اقدام می‌تواند به تعادل قدرت و حفظ امنیت اجتماعی کمک کند. آموزش و افزایش آگاهی عمومی در مورد حقوق و وظایف مشترک باید مورد توجه قرار گیرد. این اقدام می‌تواند به شهروندان کمک کند تا بهتر در فرآیندهای سیاسی و امنیتی شرکت کرده و فرهنگ تعامل در جامعه و در میان اقشار مختلف باید به عنوان اولویت مدنی تلقی شود. همچنین تأکید بر تضمین تساوی در برابر قانون برای همه افراد و ترویج عدالت اجتماعی و کاهش تفاوت‌ها در جوامع به عنوان یک هدف اساسی می‌تواند از ظهور مسائل سیاسی و امنیتی جلوگیری کند.

آنچه بیش از هر چیز دیگر برای تأمین امنیت ملی لازم به نظر می‌رسد، توجه ویژه به شناسایی و احصای تهدیدات امنیت ملی و تلاش در جهت مقابله با این تهدیدات است و با توجه به محدودیت زمان و منابع مالی و انسانی برای مقابله با این تهدیدات، اولویت‌بندی دقیق تهدیدات اهمیت دارد (صالح‌نیا و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۵۵). با توجه به گسترش رویکردهای امنیتی و وسایل در اختیار چنین نهادهایی در نظام بین‌المللی، استفاده ابزاری دولت‌ها از مقولات خاص افزایش یافته است (موسوی‌فرد و دیگران، ۱۳۹۹: ۷۵). با در نظر گرفتن مراتب فوق می‌توان بر این ادعا بود که سیاست و امنیت بر دیگر مسائل، اولویت راهبردی دارد و در نتیجه بهانه‌های مشروع به دست حاکمیت برای جاسوسی از شهروندان داده شده که باید از طریق سایر مکانیسم‌ها تعدیل شود.

۴. جاسوسی دولت‌ها از شهروندان (اتباع و غیراتباع)

انقلابی که در نتیجه تحولات سایبری و فضای مجازی امروزه شکل گرفته است و شهرهای مدرن هوشمند به‌عنوان یکی از پیامدهای آن مطرح می‌گردد، علاوه بر مزایایی که دارد، یک عیب بسیار بزرگ در دل خود دارد و آن چیزی نیست جز نقض حریم خصوصی و به‌نوعی محملی برای جاسوسی همه‌جانبه دولت‌ها از شهروندان (اتباع، غیراتباع). فضای سایبر با فراهم کردن امکان فرارفتن جاسوسی از محدودیت‌های زمانی و مکانی و در نتیجه گسترده‌تر شدن جاسوسی، باعث ورود بازیگران و ابزارهای جدید به عرصه جاسوسی شده است و از این طریق، تأثیرات انقلابی و بنیادینی در ماهیت و شکل جاسوسی برجای گذاشته است، به‌گونه‌ای که استفاده از واژگانی مانند جاسوسی سایبری سیاسی، جاسوسی سایبری صنعتی، جاسوسی سایبری نظامی و جاسوسی علمی نشانگر آغاز روند جدیدی در این عرصه است. نتیجتاً تحت تأثیر انقلاب سایبری، انقلاب در عرصه جاسوسی واقعیتی اجتناب‌ناپذیر است (صدیق، ۱۳۹۵: ۷۱). به‌عنوان مثال می‌توان گفت: دولت ایالات متحده، با کمک اپراتورهای مخابراتی بزرگ، از جمله AT&T، حداقل از سال ۲۰۰۱ تاکنون درگیر نظارت گسترده و غیرقانونی از ارتباطات داخلی و سوابق میلیون‌ها آمریکایی شده است. در اواخر سال ۲۰۰۵، اقداماتی در خط مقدم تلاش برای توقف این امر و بازگرداندن برنامه‌های نظارتی دولت با توجه به قانون اساسی بوده است. در همین راستا، به‌منظور پیشگیری از نقض حریم خصوصی افراد توسط دولت‌ها، اقداماتی نظیر استفاده از رمزنگاری برای محافظت از ارتباطات در اینترنت و پیام‌رسان‌ها، استفاده از شبکه‌های افتراقی برای مخفی نگه داشتن هویت و مکان جغرافیایی، اجتناب از به اشتراک گذاری اطلاعات حساس با سایر افراد یا در فضای مجازی صورت پذیرفته است.

در این رابطه می‌توان به نتایج تحقیقات جامعی در این خصوص استناد کرد: واشنگتن‌پست شروع به اجرای یک مجموعه تحقیقاتی به نام پروژه پگاسوس کرده است که استفاده گسترده از نظارت دیجیتال توسط دولت‌ها در سراسر جهان را توصیف می‌کند. این گزارش‌ها نشان می‌دهد که چگونه نرم‌افزار قدرتمند ارائه‌شده توسط شرکت اسرائیلی NSO Group توسط دولت‌ها برای هک کردن تلفن‌های هوشمند شهروندان، ردیابی ارتباطات آن‌ها و کسب اطلاعات مجرمانه، گاهی اوقات به‌عنوان مقدمه‌ای برای ترور،

استفاده شده است. این یک امر جدید به شمار نمی‌رود. برای کسانی از ما که این مسائل را از نزدیک دنبال می‌کنیم، تکثیر نرم‌افزارهای جاسوسی برای سال‌ها یک مشکل مداوم بوده است. اما پروژه پگاسوس به ما کمک می‌کند تا درک بهتری از این شیوه‌ها داشته باشیم. تقریباً ۵۰،۰۰۰ شماره تلفن در فهرست هک‌های نظارتی شامل مدیران تجاری، فعالان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران، سیاستمداران و مقامات دولتی مشاهده می‌شود. این افراد حداقل از پنجاه کشور هستند. درحالی که گروه NSO اصرار دارد که محصولاتش در درجه اول توسط مجریان قانون برای مقاصد قانونی مبارزه با جرم و جنایت استفاده می‌شود، اطلاعات فاش شده توسط تحقیقات روزنامه نشان می‌دهد که فناوری NSO Group اغلب افرادی را هدف قرار می‌دهد که ارتباط چندانی با جرم و جنایت یا تروریسم ندارند. مشخص شده است که هزینه‌های حقوق بشر جاسوس افزار گروه NSO بسیار بیشتر از ملاحظات امنیت ملی است.

گسترش نرم‌افزارهای جاسوسی یک مشکل گسترده است که دموکراسی‌ها آشکارا نتوانسته‌اند آن را جدی بگیرند. عواقب ناشی از ارائه ابزارهای نظارتی قدرتمند به دولت‌های مستبد بسیار زیاد است، امنیت شهروندان به خطر افتاده است، فعالان زندانی شده‌اند و روزنامه‌نگاران به دلیل این جاسوس‌افزار کشته شده‌اند. با این حال، اسرائیل و دیگر کشورهای دموکراتیک، از جمله ایالات متحده، نه تنها چشم خود را بر استفاده از نرم‌افزارهای جاسوسی بسته‌اند، بلکه به‌طور ضمنی از این فروش‌ها با تأیید مجوزهای صادرات حمایت کرده‌اند. وقتی صحبت از صنعت نظارت خصوصی می‌شود، تراکنش‌های NSO Group نشان‌دهنده نوک کوه یخ است. همان‌طور که در کتاب ظهور سرکوب دیجیتال، نوشته شده و در یک پایگاه داده جهانی نرم‌افزارهای جاسوسی در دسترس عموم مستند شده است، حداقل شصت و پنج دولت در سراسر جهان، از شیلی تا ویتنام، ابزارهای نظارتی جاسوس‌افزارهای تجاری را به دست آورده‌اند. در انتهای بخش، به نتایج این پروژه تحقیقاتی به برخی از شهروندان دیگر کشورها به‌عنوان قربانیان این جاسوسی اشارات خاصی شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:^۱

1. جهت دسترسی به داده‌های طرح پگاسوس به مقاله ارجاعی ذیل رجوع شود:

See: Steven Feldstein (2021). Governments Are Using Spyware on Citizens. Can They Be Stopped? Commentary, July 21, 2021. Online access to the article:

نام کشور	شرح قربانیان جاسوسی شرکت NSO Group
مجارستان	مشارکت تیم هک مجارستان EA, Black Cube, Black Cube در کمپین بی‌اعتبار کردن سازمان‌های غیردولتی قبل از انتخابات آوریل مجارستان؛ بیش از ۳۰۰ شماره تلفن برای روزنامه‌نگاران، وکلا، مدیران تجاری و فعالان موجود در لیست جاسوسی پگاسوس است.
هندوستان	صدها روزنامه‌نگار، فعال، سیاستمداران مخالف، مقامات دولتی و مدیران تجاری را هدف قرار می‌دهد.
ایران	از نظارت و حملات بدافزار هدفمند در ایران مورد هدف این برنامه‌ها قرار گرفته‌اند.
عربستان سعودی	در این کشور هدف برنامه سوءاستفاده گسترده مستند از نرم‌افزارهای جاسوسی برای هدف قرار دادن مخالفان سیاسی و جامعه مدنی آن بوده است.
ترکیه	در ترکیه با کمک EA Hacking Team, FinFisher, NSO Group لینک‌های گسترده نرم‌افزارهای جاسوسی. بیشتر انواع مخابرات شنود و رهگیری می‌شود.

۵. نقض حقوق فردی (حریم خصوصی)

حریم خصوصی در نظام لیبرالیسم به‌عنوان یک مؤلفه و به نوعی حق شناخته شده است. اگر این مفروض را در حقوق ایالات متحده آمریکا مورد بحث قرار دهیم، باید گفت که اهمیت حق بر حریم خصوصی که اکنون در حقوق عمومی آمریکا حاکم است، عمدتاً به تلاش‌های فردی به نام بنام لوئیس دی. براندیس نسبت داده می‌شود. نقش او در تدوین و توسعه این حق و رابطه آن با لیبرالیسم غیرقابل انکار است (Mindle, 1989: 9). لیبرالیسم به‌عنوان ایدئولوژی نظام‌های سیاسی غرب در اصول بنیادین خویش به حقوق اساسی بشر و ازجمله حق حریم خصوصی که باید از دخالت همه‌کس به‌خصوص قدرت عمومی مصون باشد، اذعان دارد، اما قدرت عمومی همواره به بهانه ایجاد نظم و امنیت و یا شرایط اضطراری به محدود کردن آزادی‌ها و ازجمله دخالت در حوزه خصوصی افراد مبادرت کرده است. حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده، محیط امنیتی جدیدی را ایجاد کرده که نظام سیاسی این کشور با وضع قوانین و مقررات مداخله‌جویانه و ازجمله قانون پاتریوت به شکلی گسترده نسبت به نقض حقوق فردی و ازجمله دخالت در حریم خصوصی اقدام کرده است (آقابابایی، ۱۳۸۹: ۱).

درک حکومت لیبرال تا آنجا که رویه‌های اقتدارگرا و لیبرالیسم درهم تنیده شده‌اند، حیاتی است. استدلال می‌کنیم که تولد مطالعات حفظ حریم خصوصی و ظهور مفهوم «حریم خصوصی با طراحی» نشان دهنده پیوند امنیت و حریم خصوصی و تعبیه پروتکل حفظ حریم خصوصی در فناوری‌های نظارتی است که با لیبرالیسم اقتدارگرا سازگار است. این استدلال‌ها از طریق تجزیه و تحلیل موارد مربوط به نظارت دوربین عمومی و دسترسی به فرآیندهای اطلاعاتی (ATIP) در کانادا قابل مشاهده است. رواج فزاینده حریم خصوصی به‌عنوان ابزاری برای حکومت، پرسش‌هایی را در مورد سودمندی آن و به‌عنوان راه‌حلی برای نظارت ایجاد می‌کند و آشکار می‌سازد که چگونه شیوه‌های اقتدارگرایانه در لیبرالیسم گنجانده شده‌اند (Randy and others, 2013: 140)، پس می‌بینم اندیشمندان غربی نیز تا حدودی رویکردهای اقتدارگرایی دولت‌ها را در غالب نظارت‌های امنیتی و هوشمند لازم دانسته و به‌عنوان یکی از عناصر متشکله نظام لیبرالی در کشورهای غربی از آن یاد می‌کنند، ولی این امر در شهرهای آینده که کاملاً هوشمند است، می‌تواند به‌عنوان یک تهدید جدی نظام لیبرال و اندیشه‌های بنیادین آن را به چالش جدی بکشد.

به‌عنوان مثال در کشور کانادا نیز پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به استناد قانون ضد تروریسم، اقداماتی صورت پذیرفت و مقرراتی در خصوص تجسس در قانون ضد تروریسم کانادا پس از ۱۱ سپتامبر برای آگاه ساختن شهروندان نسبت به نظارت دولتی، مطرح گردید. با این حال، ۱۱ سپتامبر تغییری در شیوه برخورد دادگاه عالی کانادا در مورد تروریسم ایجاد کرد. تروریسم، نه تنها در تداوم فعالیت‌های مجرمانه، بلکه به تهدیدی برای ارزش‌های کانادا به‌عنوان یک کل ارتقا یافت. هرچند این تغییر، دادگاه عالی را مجدداً به گفتمان‌های قبلی درباره حریم خصوصی به‌عنوان عنصر اساسی حکمرانی دموکراتیک مرتبط ساخت و روایت‌های پیرامون اهمیت مرز عمومی خصوصی برای روابط دموکراتیک را تقویت کرد. از این منظر، به‌عنوان شهروند، مستحق حریم خصوصی هستیم، زیرا حریم خصوصی مرزی است که روابط درستی را بین شهروندان و بین شهروندان و دولت ایجاد می‌کند. این امر از تقابل حریم خصوصی به‌عنوان یک حق فردی در برابر منافع اجتماعی جلوگیری می‌کند. این مفهوم همچنین حریم خصوصی را به‌عنوان عنصری از دموکراسی لیبرال به تحقیقات جامعه‌شناختی پیوند می‌دهد و با قرار دادن آن در ارتباطات بین‌الذنهانی

بازیگران فرهنگی که در جامعه زندگی می‌کنند، مفهوم لیبرال از حریم خصوصی را غنی می‌کند (Valerie, 2019: 50).

بخش سوم راه‌حل، ناشی از تعهد اساسی لیبرالیسم به آزادی و یکپارچگی فرد است که در نهایت، محدودیت قدرت به معنای حفظ آن است. از منظر لیبرال، افراد نه تنها شهروندانی هستند که با یکدیگر قراردادهای اجتماعی مشترک دارند، بلکه افرادی با حقوقی نیز هستند که اگر بخواهد اکثریت‌گرایی آن معنا دار باشد، دولت نمی‌تواند به آن‌ها تعدی کند. رأی اکثریت تنها در صورتی می‌تواند صادر شود که افراد تا حدی در تبادل نظرات خود آزاد باشند. این فراتر از حق صحبت و نوشتن آزادانه، شامل آزادی مشارکت و سازماندهی و مهم‌تر از همه، آزادی از ترس از انتقام است، اما افراد جدا از نقش خود به‌عنوان شهروند، حقوقی نیز دارند. این حقوق امنیت شخصی آنان را تضمین می‌کند و در نتیجه از آن‌ها در برابر دستگیری و مجازات خودسرانه محافظت می‌کند. فراتر از این حقوق، مواردی هستند که حوزه‌های بزرگی از حریم خصوصی را حفظ می‌کنند. بنابراین حفظ حریم خصوصی ناشی از حقوق فردی در حقوق غربی لیبرالیسم به نوعی یکی از اصلی‌ترین رویکردهای آن نظام محسوب می‌شود. اصل اساسی در لیبرالیسم، حداقل دخالت دولت در حیطه حریم خصوصی افراد است. به این معنا که دولت باید از دخالت غیرضروری در حریم خصوصی افراد پرهیز کرده و فقط در موارد ضروری مداخلات داشته باشد. همچنین احترام به حریم خصوصی به‌عنوان یک حق اساسی در لیبرالیسم تلقی می‌شود.^۱

این به معنای احترام به حقوق فردی افراد برای محافظت از اطلاعات شخصی و خصوصیات خود است. پیشگیری از نقض حقوق فردی به‌وسیله شفافیت و روشنی انجام می‌شود. دولت و نهادهای عمومی باید اطلاعات بیشتری را به مردم ارائه دهند تا از استفاده نادرست از اطلاعات شخصی افراد جلوگیری شود. از طرفی ایجاد قوانین و مقررات منطقی و متوازن برای حفظ حریم خصوصی افراد در اصول مسلم لیبرالیسم بسیار مهم است. این قوانین باید تضمین کنند که حقوق فردی حفظ شده و از نقض آن جلوگیری شود.

۱. حتی می‌بینیم از اصول فراحقوقی و مبانی اصلی اندیشه لیبرالیسم دانسته شده است.

1. See: <https://www.britannica.com/topic/liberalism/Rights>.

لیبرالیسم بر مساوی بودن تمام افراد در برابر قانون تأکید دارد. هیچ فردی نباید از نقض حقوق فردی معاف باشد و همه افراد حق دسترسی به حمایت حقوقی دارند.

۶. حرمت نقض حریم خصوصی در آموزه‌های اسلامی

حریم خصوصی یکی از ارزشمندترین مفاهیم نظام‌های حقوقی توسعه یافته است. حق بر حریم خصوصی در زمره مهم‌ترین حقوقی است که ارتباط تنگاتنگی با کرامت انسانی دارد. لزوم حمایت از حریم خصوصی و عدم مداخله در امور خصوصی دیگران یکی از آموزه‌های مهم اسلام نیز است. دیدگاه اسلام در مورد حریم خصوصی و حمایت از آن با دیگر مکاتب حقوقی متفاوت است، زیرا حریم خصوصی را با شخصیت و آبروی افراد مرتبط ساخته است. در این رابطه روایات متعددی در زمینه ممنوعیت تجسس در حریم خصوصی افراد بیان شده است، همانند روایاتی از امام صادق (ع) که فرمودند: از دین مردم تفتیش نکن که در این صورت بدون دوست می‌مانی (ری شهری، ۱۳۷۵: ۳۹۲) و جهل در سه چیز است: تعویض دوستان، اختلاف و دوری بدون بیان علت و تجسس از چیزی که نباید در آن تجسس کرد (حرانی، ۱۳۵۴: ۳۳۰). همچنین در آیات متعددی از قرآن مجید بر لزوم رعایت حریم خصوصی اشخاص تأکید شده است. بنابر نظر مفسرین، منع تجسس مربوط به مسلمین است. یعنی هم مخاطب آن مؤمنین هستند و هم موضوع آن خطاب منع تجسس از امور مسلمین است (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۴۸).

از آیات قرآن منع ورود به منزل غیر و حرمت آن استنباط می‌گردد که در سوره نور به آن پرداخته شده است. در برخی روایات نیز منع ورود به منزل غیر و کسب اطلاع از این طریق، این حرمت مورد تأکید در قرآن استنباط می‌گردد (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۰۹: ۲۹۷). سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و سیره مسلمانان نیز سرشار از توصیه‌هایی در پرهیز از نقض مصداق مختلف حریم خصوصی است. همان‌طور که پیامبر (ص) فرمودند: هرکس که به نوشته برادر دینی‌اش بدون اذن او نگاه کند، گویی به آتش نگاه می‌کند (محقق نوری، ۱۴۰۸: ۱۵۹). در این ارتباط ابن عباس از پیامبر اکرم (ص) نیز نقل کرده است که می‌فرمود: هرکس به سخنان و گفتگوی دیگران گوش بسپارد، درحالی‌که آنان راضی نیستند، در روز قیامت به گوش‌های آنان سرب گذاخته می‌ریزند (عروسی حویزی، ۱۲۷۱: ۹۳)، البته اصطلاح «حریم خصوصی» نه

در آیات قرآن و نه در روایات اسلامی استعمال نشده است و موضع اسلام در مواجهه با مقوله حریم خصوصی یک موضع به اصطلاح «تحویل‌گرایانه» است، یعنی حریم خصوصی، در قالب احاله به حقوق و آزادی‌های دیگر نظیر حق مالکیت، حق آزادی از تجسس، حق برخورداری از اصل برائت، حق غیر قابل تعرض بودن حقوق وابسته به شخصیت مورد حمایت واقع شده است (انصاری، ۱۳۸۳: ۱)، لذا قرآن کریم با صراحت تمام، تجسس در زندگی مردم منع فرموده است و اشاره به این مسئله دارد که تجسس در امور دیگران، ضررهای جبران‌ناپذیری در زندگی اجتماعی افراد دارد. در واقع، اسلام در پی تأمین امنیت در تمام زمینه‌های زندگی مردم است (حائری تهرانی، ۱۴۱۹: ۱۱۸).

به‌عنوان مثال اگر بخواهیم مروری بر قوانین ایران در این خصوص داشته باشیم باید گفت: قانون اساسی در پاره‌ای از اصول فصل سوم (حقوق ملت) به برخی از مصادیق حریم خصوصی مانند حیثیت، جان، مسکن (اصل ۲۲)، عقاید (اصل ۲۳)، نامه‌ها و مکالمات تلفنی و الکترونیکی (اصل ۲۵) تصریح نموده است. قانون احترام آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (مصوب ۱۳۸۳)، قانون تجارت الکترونیکی ایران (مصوب ۱۳۸۴)، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (مصوب ۱۳۸۸) و آیین‌نامه اجرایی این قانون (مصوب ۱۳۹۳) از جمله تلاش‌های قانون‌گذار در شناسایی حق حریم خصوصی افراد است. چنانچه مشاهده می‌شود، شناسایی و حمایت از حق حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران از انسجام کافی برخوردار نیست، خصوصاً اینکه پس از سالیان متمادی هنوز لایحه حمایت از حریم خصوصی بلاتکلیف بوده و قانون جامعی در این زمینه وجود ندارد.

با توجه به اینکه نظام حقوقی ایران منبعث از احکام فقهی است، مبانی حمایت از حریم خصوصی را می‌توان در فقه اسلام جستجو کرد. حق بر حریم خصوصی در نظام اسلامی با مبانی مستحکمی، از جمله لزوم رعایت کرامت انسانی و جلوگیری از عادی شدن و شیوع بدی‌ها و قواعدی از جمله قاعده احترام مال مردم، قاعده تسلیط، اصالة الصحة و اصالة الاباحه مورد حمایت قرار گرفته است (فروغی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۳۷).

نتیجه گیری

اگر بخواهیم با دیدی آینده پژوهی به شهرهای هوشمند در آتی بنگریم، باید بر اساس مطالعات علمی صورت گرفته چنین گفت: از طریق سنسورهای تعبیه شده در شهرها و تلفن های هوشمندی که در جیب های ما قرار دارد، شهرهای هوشمند به طور مداوم قدرت می گیرند و شناسایی افرادی که در آنها زندگی می کنند و اینکه با چه کسانی ملاقات می کنند و حتی اینکه در حال حاضر مشغول انجام چه کاری هستند، راحت خواهد بود. با این توصیفات می توان گفت نقش و جایگاه دولت ها به عنوان بازیگران اصلی نظام بین الملل کجا خواهد بود. قطعاً با چنین رویکردهایی کشف جرائم و تعقیب مجرمان برای دستگاه عدالت کیفری و بالتبع حاکمیت سهل الوصول تر خواهد بود، اما همیشه یک اصل در حقوق وجود دارد که پیشگیری بهتر از درمان (مبارزه با جرم) است. دولت ها که بازیگرانی عقلانی اند نیز این امر را مد نظر خود قرار می دهند و از ارزش افزوده شهرهای هوشمند برای مبارزه پیشگیرانه با جرم و جنایت علیه خود بهره می برند. حریم خصوصی یکی از ارزشمندترین مفاهیم نظام های حقوقی توسعه یافته است. حق بر حریم خصوصی در زمره مهم ترین حقوقی است که ارتباط تنگاتنگی با کرامت انسانی دارد. حق ورود به حریم خصوصی افراد مسئله ای پیچیده و متنوع است که در قوانین و مقررات مختلف کشورها تعیین می شود. هیچ کشوری حق ورود به حریم خصوصی افراد را به طور کامل منع نکرده است، اما محدودیت ها و قوانین مختلف در این زمینه وجود دارد. در اکثر کشورها، حقوق حریم خصوصی افراد توسط قوانین و مقررات تضمین می شود و دولت ها مکلف به حفاظت از حریم خصوصی افراد هستند.

لزوم حمایت از حریم خصوصی و عدم مداخله در امور خصوصی دیگران یکی از آموزه های مهم اندیشه های لیبرالیسم و اسلام نیز است. با توجه به مطالعات انجام شده، نمی توان گفت که اصول شهرهای هوشمند با آموزه های اسلام در تعارض هستند. در واقع، برخی از مفاهیم شهر هوشمند مانند توسعه پایدار و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان با آموزه های اسلامی سازگاری دارند. این نتایج نشان می دهد که اصول شهر هوشمند با آموزه های اسلامی در تعارض نبوده و می توانند با یکدیگر سازگار باشند. از طرفی اصول لیبرالیسم و اصول شهرهای هوشمند هم در تعارض نیستند. در واقع، اصول لیبرالیسم مانند آزادی فردی، حقوق مالکیت،

حقوق شهروندی و حقوق بشری به شکلی در شهرهای هوشمند تعبیه شده‌اند که به حفظ حقوق شهروندان و بهبود کیفیت زندگی آن‌ها کمک می‌کنند. در حقوق اسلامی نیز به استناد آیه شریفه ۱۲ سوره حجرات که شارع مقدس در آن می‌فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا...» مضافاً با رجوع به سنت و روایات دقیقاً بر لزوم رعایت و پایبندی به حفظ حریم خصوصی افراد در دین اسلام مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است. با توجه به انقلاب جهانی که در حوزه شهرهای هوشمند در حال وقوع است، مجوز خطرناکی برای دولت‌ها به بهانه مبارزه با جرم و جنایت و پیشگیری از آن برای حفظ بقای خود صادر می‌شود که منجر به جاسوسی گسترده از شهروندان خواهد شد و در نهایت منجر به شکل‌گیری «دیکتاتورهای مدرن حقوق سیاسی» خواهد شد.

دولت‌ها معمولاً حق ورود به حریم خصوصی افراد را تحت شرایط خاصی ممکن می‌سازند. این شرایط ممکن است شامل مواردی مانند حالت تجاوز به امنیت ملی یا حالات اضطراری، اجرای مجازات‌های قانونی، تحقیقات جنایی، موارد بهداشتی عمومی باشد، البته باید توجه نمود که نفوذ دولت به حریم خصوصی افراد و نقض حریم خصوصی می‌تواند منجر به اثرات منفی مختلفی شود. برخی از پیامدهایی که برای دولت به همراه دارد، عبارت‌اند از: نقض حقوق بشر، ضرر به اعتماد عمومی، تأثیر بر آزادی افراد، افزایش هزینه‌ها، تأثیر منفی بر اقتصاد. به‌طور کلی، احترام به حریم خصوصی افراد مهم است و نقض آن می‌تواند به مشکلات جدی برای دولت و جامعه به همراه داشته باشد. از طرفی برای کاهش نفوذ دولت به حریم خصوصی افراد و تضمین احترام به حریم خصوصی، می‌توان اقداماتی را در نظر گرفت: تعیین مرزهای دقیق، افزایش شفافیت، تقویت سیاست‌های حفاظت از حریم خصوصی، نظارت مؤثر، آموزش و پوشش اخبار، تشویق به شکایت‌ها، رعایت حقوق بین‌المللی و تحکیم دسترسی به دادگاه. این اقدامات می‌توانند به کاهش نفوذ غیرضروری دولت به حریم خصوصی افراد کمک کرده و حقوق انسانی را تضمین کنند.

در ایران، حقوق حریم خصوصی افراد تحت قوانین و مقررات مشخصی تعریف شده است. اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق حریم خصوصی افراد را تضمین می‌کند. به‌علاوه، در موارد خاص مثل موارد امنیتی، قوانین ایران به ارگان‌های اجرایی اجازه مداخله به حریم خصوصی افراد را می‌دهد، اما این

مداخله‌ها نیاز به اجازه قضایی دارند و باید طبق قوانین مربوطه انجام شوند. النهایه می‌طلبند نظر به نقض آشکار حقوق بنیادین افراد که در آینده و حتی با دیدی حداقلی هم‌اکنون نیز در جریان است، قانون‌گذاری‌های صحیح می‌تواند یکی از راه‌های مبارزه با وضعیت نقض آشکار لقب گیرد. پیشنهاد‌های مشخصی که برای این امر می‌توان ارائه داد به شرح مختصر ذیل است:

اولاً: گسترش سواد رسانه‌ای اجتماعی به معنای واقعی جهت حفاظت از حریم خصوصی؛

ثانیاً: تحدید حدود قدرت دولت‌ها در کنترل جاسوسی از شهروندان از طریق مجامع مدنی؛

ثالثاً: تصویب قوانین شفاف.



فهرست منابع

- آقابابایی، حسین (۱۳۸۹). «لیبرالیسم، حریم خصوصی و قانون پاتریوت»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۰، شماره ۲.
- انصاری، باقر (۱۳۸۳). «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران»، **مطالعات حقوق خصوصی** (حقوق)، شماره ۶۶.
- بهرمند، حمید و داوودی، ذوالفقار (۱۳۹۷). «پیشگیری اجتماعی از جرائم امنیتی سایبری»، **مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، دوره ۴۸، شماره ۱.
- حائری تهرانی، میر سیدعلی (۱۴۱۹). **مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر**، چاپ اول، تهران: انتشارات دارالکتاب الاسلامی.
- حرانی، حسن (۱۳۹۵). **تحف العقول عن آل الرسول**، چاپ اول، تهران: انتشارات اسلامی.
- روستایی، شهرپور؛ پورمحمدی، محمدرضا و قنبری، حکیمه (۱۳۹۷). «تئوری شهر هوشمند و ارزیابی مؤلفه‌های زیرساختی آن در مدیریت شهری موردشناسی: شهرداری تبریز»، **جغرافیا و آمایش منطقه‌ای و شهری**، دوره ۸، شماره ۲۶.
- صادقی، سالار و اکبری، عباسعلی (۱۳۹۹). «بررسی جرم‌شناختی جرائم علیه امنیت کشور با رویکرد جامعه‌شناسی جنایی»، **مطالعات جامعه‌شناسی**، دوره ۱۳، شماره ۴۸.
- صالح‌نیا، علی و بختیاری، حسین (۱۳۹۷). «اولویت‌بندی تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP)»، **مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، دوره ۸، شماره ۲۷.
- صدیق، میر ابراهیم (۱۳۹۵). «انقلاب سایبری و تحول در پدیده جاسوسی»، **مطالعات راهبردی**، سال ۱۹، شماره ۱.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). **التبیان فی التفسیر القرآن**، تحقیق: احمد حبیب قصیر، چاپ اول، تهران: انتشارات امین.
- عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه (۱۲۷۱). **تفسیر نور الثقلین**، چاپ الویس اسپرنگر، هندوستان.
- فروغی، فضل‌الله؛ برجی، محمدناصر و مصلحی، جواد (۱۳۹۳). «مبانی ممنوعیت نقض حریم خصوصی در حقوق ایران و آمریکا»، **مطالعات حقوقی**، دوره ۶، شماره ۳.
- محقق نوری، میرزاحسین (۱۴۰۸). **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، چاپ اول، بیروت: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام).
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۴۱۶). **میزان الحکمه**، چاپ اول، قم: دارالحدیث.
- محمودزاده، حسن و عابدینی ایرانق، رؤیا (۱۳۹۸). «تلفیق اصول رشد هوشمند و استراتژی توسعه میان‌افزا در شناسایی ظرفیت‌های کالبدی توسعه درونی شهر (مطالعه موردی: منطقه ۳ تبریز)»، **جغرافیا و توسعه**، دوره ۱۷، شماره ۵۶.
- منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی (۱۴۰۹). **دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه**، چاپ اول، قم: نشر تفکر.

موسوی فرد، سید محمدرضا (۱۴۰۰). «وضعیت آنارشیستیک حقوقی، جرائم سازمان‌یافته بین‌المللی از تئوری تا عمل در مواجهه سیاست و حقوق بین‌الملل کیفری»، *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، دوره ۱۴، شماره ۵۳.

موسوی فرد، سید محمدرضا و سعادت‌فر، علی (۱۳۹۹). «بررسی تطبیقی رهیافت‌های جرم‌شناختی و حقوق کیفری بین‌المللی در اقدامات تروریستی در تعارض منافع بازیگران اصلی روابط بین‌الملل»، *پژوهش‌های جرم‌شناختی پلیس*، دوره ۱، شماره ۱.

References

- Brassett, J, and O'Reilly, J (2021). *A Creative Philosophy of Anticipation*, Milton Park: Taylor & Francis.
- Caragliu, A, Del Bo, C, and Nijkamp, P (2011). "Smart Cities in Europe", *Journal of Urban Technology*, Vol.18, No.2.
- Deakin, M (2013). *From intelligent to smart cities*, Edited by Mark Deakin, *Smart Cities: Governing, Modelling and Analysing the Transition*; London: Taylor and Francis.
- Deakin, M, Al Waer, H (2011). "From Intelligent to Smart Cities", *Journal of Intelligent Buildings International: From Intelligent Cities to Smart Cities*, Vol.3, No.3.
- Feldstein, S (2021). "Governments Are Using Spyware on Citizens. Can They Be Stopped?", Online access to the article, available at: <https://www.carnegieendowment.org/2021/07/21/governments-are-using-spyware-on-citizens-can-they-be-stopped-pub-85019>.
- Fourtané, S (2018). "Connected Vehicles in Smart Cities: The Future of Transportation", *Interesting Engineering*, accessible: <https://www.interestingengineering.com/innovation/connected-vehicles-in-smart-cities-the-future-of-transportation>.
- Futurology. Definition of Futurology by Lexico, *Lexico Dictionaries*, available in: <https://www.lexico.com/en/definition/futurology>.
- Gidley, J (2017). *The Future: A Very Short Introduction*, Oxford: Oxford University Press.
- Goldsmith, S (2021). "As the Chorus of Dumb City Advocates Increases, How Do We Define the Truly Smart City?" [datasmart.ash.harvard.edu](https://www.datasmart.ash.harvard.edu), accessible: <https://www.datasmart.ash.harvard.edu/chorus-dumb-city-advocates-increases-how-do-we-define-truly-smart-city>.
- Hester, R (2018). *Historical Research: Theory and Methods*; London: Ed-Tech Press.
- Hiltunen, E (2008). "The future sign and its three dimensions", *Futures*, Vol.40, No.3.
- Hines, A, Gary, J, Daheim, C, van der Laan, L (2017). "Building foresight capacity: Toward a Foresight Competency Model", *World Futures Review*, Vol.9, No.3.
- Hunt, D, Rogers, C, and Cavada, M (2014). "Smart Cities: Contradicting Definitions and Unclear Measures", *Switzerland: 4th World Sustainability Forum*.
- Jervis, R (1999). "Realism, Neoliberalism and Cooperation: Understanding the Debate", *International Security*, Vol.24, No.1.

- Jiang, H, Geertman, S, and Witte, P (2021). "Smartening urban governance: An evidence-based perspective", *Regional Science Policy & Practice*, Vol.3, No.3.
- Komninos, N (2013). "What makes cities intelligent?" Edited by Mark Deakin, *Smart Cities: Governing, Modelling and Analysing the Transition*; London: Taylor and Francis.
- Lippert, RK, and Walby, K (2013). "Governing Through Privacy: Authoritarian Liberalism, Law, and Privacy Knowledge", *Law, Culture and the Humanities Journal*, Vol.12, No.2.
- McLaren, D, and Agyeman, J (2015). *Sharing Cities: A Case for Truly Smart and Sustainable Cities*, Cambridge, Massachusetts: MIT Press.
- Mearsheimer, JJ (1994). "The False Promise of International Institutions", *International Security*, Vol.19, No.3.
- Mindle, GB (1989). "Liberalism, Privacy, and Autonomy", *The Journal of Politics*, Vol.51, No.3.
- Musa, S (2018). "Smart Cities-A Road Map for Development", *IEEE Potentials*, Vol.37, No.2.
- O'Toole, JJ (2017). "Futurology social science", *Encyclopedia Britannica*, available in: <https://www.britannica.com/topic/futurology>.
- Paiho, S, Tuominen, P, Rökman, J, Ylikerälä, M, Pajula, J, and Siikavirta, H (2022). "Opportunities of collected city data for smart cities", *IET Smart Cities*, Vol.4, No.4.
- Peris-Ortiz, M, Bennett, DR, and Yábar, DPB (2016). *Sustainable Smart Cities: Creating Spaces for Technological, Social and Business Development*, Berlin: Springer.
- Posen, BR (1993). "Nationalism, the Mass Army, and Military Power", *International Security*, Vol.18, No.2.
- Rosato, S (2021). *Intentions in Great Power Politics: Uncertainty and the Roots of Conflict*, New Haven: Yale University Press.
- Sardar, Z (2010). *The Namesake: Futures; futures studies; futurology; futuristic; Foresight - What's in a name? Futures*, Vol.42, No.3.
- Steeves, V (2019). "Theorizing Privacy in a Liberal Democracy: Canadian Jurisprudence, Anti-Terrorism and Social Memory After", *Journal Theoretical Inquiries in Law*, Vol.20, No.1.
- Williams, WF (2013). *Encyclopedia of Pseudoscience: From Alien Abductions to Zone Therapy*, ISBN 9781135955229.

In persian

- Aghababaei, H. (2010). "Liberalism, Privacy and the Patriot Act" [in Persian]. *Quarterly Journal of Politics*, 40(2).
- Ansari, B. (2004). "Privacy and Its Protection in Islamic, Comparative and Iranian Law" [in Persian]. *Private Law Studies (Law)*, (66).
- Bahramand, H., & Davoudi, Z. (2018). "Social Prevention of Cyber Security Crimes" [in Persian]. *Criminal Law and Criminology Studies*, 48(1).
- Haeri Tehrani, M. S. A. (1998). *Moqtaniyat al-Dorar wa Moltaqatat al-Thamar* [in Arabic]. (1st ed.). Tehran: Dar al-Ketab al-Islami.
- Harrani, H. (2016). *Tohaf al-Uqool an Al al-Rasool* [in Arabic]. (1st ed.). Tehran: Eslamiyah Publications.

- Roustaei, S., Pourmohammadi, M. R., & Ghanbari, H. (2018). "Smart City Theory and Evaluation of Its Infrastructure Components in Urban Management: A Case Study of Tabriz Municipality" [in Persian]. *Geography and Regional & Urban Planning*, 8(26).
- Sadeghi, S., & Akbari, A. A. (2020). "A Criminological Study of Crimes against National Security with a Criminal Sociology Approach" [in Persian]. *Sociology Studies*, 13(48).
- Salehnia, A., & Bakhtiari, H. (2018). "Prioritization of National Security Threats of the Islamic Republic of Iran Using Analytical Hierarchy Process (AHP)" [in Persian]. *Strategic Public Policy Studies*, 8(27).
- Sedigh, M. E. (2016). "The Cyber Revolution and Transformation in the Espionage Phenomenon" [in Persian]. *Strategic Studies*, 19 (1).
- Tusi, M. b. H. (1986). *Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an* [in Arabic]. A. H. Qasir (Ed.). (1st ed.). Tehran: Amin Publications.
- Urousi Howeizi, A. b. J. (1854). *Tafsir Noor al-Thaqalayn* [in Arabic]. Alvis Springer (Ed.). India.
- Foroughi, F., Borji, M. N., & Moslehi, J. (2014). "The Foundations of Prohibiting Privacy Violation in Iranian and American Law" [in Persian]. *Legal Studies*, 6(3).
- Mohaqqeq Nouri, M. H. (1987). *Mostadrak al-Wasa'il wa Mostanbat al-Masa'il* [in Arabic]. (1st ed.). Beirut: Al al-Bayt Institute.
- Mohammadi Rey Shahri, M. (1995/). *Mizan al-Hikmah* [in Arabic]. (1st ed.). Qom: Dar al-Hadith.
- Mahmoudzadeh, H., & Abedini Iranaq, R. (2019). "Integration of Smart Growth Principles and Infill Development Strategy in Identifying Physical Capacities for Inner-City Development (Case Study: District 3 of Tabriz)" [in Persian]. *Geography and Development*, 17(56).
- Montazeri Najafabadi, H. A. (1988). *Dirasat fi Wilayat al-Faqih wa Fiqh al-Dawlah al-Islamiyyah* [in Arabic]. (1st ed.). Qom: Tafakor Publications.
- Mousavi Fard, S. M. R. (2021). "Legal Anarchic Situation, International Organized Crimes from Theory to Practice in the Confrontation of Politics and International Criminal Law" [in Persian]. *International Legal Research*, 14(53).
- Mousavi Fard, S. M. R., & Saadatfar, A. (2020). "A Comparative Study of Criminological and International Criminal Law Approaches to Terrorist Acts in the Conflict of Interests of Main Actors in International Relations" [in Persian]. *Police Criminological Research*, 1(1).